

جهان اسیری ماجراجویی، نظامیگری و لشکرکشی آمریکا

(دستگیر ستانکزی)



هفته نامه امریکن فری پرس با چاپ گزارشی به نقل از دکتر ران پاول نماینده جمهوری خواه کنگره آمریکا با اشاره به اختصاص یازده میلیارد دلار به صنایع نظامی در لایحه الحاقی اخیر نوشت: در حقیقت هزینه های حفظ امپراطوری جهانی آمریکا حدوداً یک تریلیون دلار در سال است که با کل بودجه فدرال در سال ۱۹۹۰ برابری می کند.

این نماینده کنگره آمریکا در ادامه می نویسد: هزینه های دفاعی ما (آمریکا) از مجموع هزینه های کشورهای جهان و حتی از تمام مخارج آمریکا در دوران جنگ سرد نیز بیشتر است، این در حالی است که این هزینه ها در بسیاری از موارد نه تنها موجب امن تر شدن آمریکا نشده بلکه باعث خشم و غضب دیگران نسبت به آمریکا شده است.

این سیاستمدار آمریکایی با اشاره به آنکه کشورش ۷۰۰ پایگاه نظامی در سراسر دنیا دارد و سربازان ایالات متحده نیز در بیش از ۱۴۰ کشور دنیا مستقر هستند، می افزاید: این حجم عظیم از پول و مخارج هنگامت صرف تلاش هایی می شود که هیچ فایده ای برای امنیت ایالات متحده ندارند. پاول می نویسد: ما بیشتر از هر دشمنی به خودمان آسیب می رسانیم و هیچ دشمنی قادر نیست تا چنین صدماتی را به ما وارد کند، زیرا بانک های ما ورشکسته شده و ما در حال نابودسازی واحد پول خودمان هستیم. این سیاستمدار آمریکایی با تشبیه وضعیت کنونی ایالات متحده به شوروی سابق می نویسد: شوروی به دلیل حمله یک کشور خارجی دچار فروپاشی نشد، بلکه این کشور به آن دلیل از درون فروپاشید که دچار ورشکستگی شده بود. وی می افزاید: اگر ما هم تمامی مخارج خود از جمله هزینه های موسوم به هزینه های دفاعی را مورد بررسی و تجدیدنظر قرار ندهیم، قادر به بهبود وضعیت اقتصادی خود نیستیم.

«ريك روزوف» تحليلگر مسائل بين الملل در مقاله‌ای که پایگاه خبری «گلوبال ریسرچ» آن را منتشر کرد، با اشاره به اینکه آمریکا با جمعیتی برابر با ۳۰۰ میلیون نفر حدود چهار درصد جمعیت هفت میلیارد نفری جهان را تشکیل می‌دهد، نوشت: با این حال ایالات متحده چهل درصد مخارج نظامی دولتی به رسمیت شناخته شده را متعلق به خود کرده است، یعنی اختلافی با نسبت یک به ده وجود دارد.

علاوه بر يك ميليون و ۴۴۵ هزار سرباز وظیفه فعال، پنتاگون می‌تواند ۱/۲ میلیون نفر اعضای گارد ملی و دیگر نیروهای ذخیره خود را به خدمت فراخواند. حدود سی درصد از نیروهایی که در افغانستان و عراق خدمت کرده‌اند، نیروی ذخیره‌ای بودند که بسیج شدند. گارد ملی اردو از زمان آغاز جنگ در افغانستان بیش از ۴۰۰ هزار نفر از نیروهایش را فعال کرده است و در مارچ ۲۰۰۹ تقریباً ۱۲۵ هزار نفر از اعضای گارد ملی و دیگر نیروهای ذخیره، سر خدمت بودند.

وزارت دفاع همچنین بیش از ۸۰۰ هزار نفر کارمند غیرنظامی در آمریکا و اقصی نقاط جهان دارد. بنابراین پنتاگون غیر از پیمانکارهای نظامی خصوصی، بیش از ۳/۵ میلیون نفر نیرو در اختیار دارد.

پس از اختصاص بیش از يك تریلیون دالر بودجه به جنگ‌های افغانستان و عراق، اردوی آمریکا و رئیس‌جمهوری برنده جایزه صلح آن! زمینه را برای جنگ‌های بیشتر آماده کرده‌اند. بوئینگ، ریتون (Raytheon) و جنرال الکتریک، منتظر و بیکار نخواهند ماند.

اوباما روز ده دسامبر در سخنرانی‌اش به هنگام دریافت جایزه صلح نوبل به کشورش لقب «یگانه ابرقدرت نظامی جهان» و به خودش عنوان «فرمانده عمومی نیروهای مسلح کشوری که درگیر دو جنگ است» داد. این احتمالاً نخستین بار در تاریخ است که رئیس يك دولت آمریکایی - یا هر کشور دیگری - لاف می‌زند که کشورش یگانه قدرت نظامی بی‌چون و چرای زمین است و بدون تردید نخستین باری است که يك برنده جایزه صلح نوبل، خود را فرمانده دو جنگ همزمان معرفی می‌کند.

اما در توجیه تناسب و درستی مطرح کردن چنین ادعاهایی طی چنین رویداد و در چنین موقعیتی - هنگام دریافت برجسته‌ترین جایزه صلح جهانی و در برابر کمیته نوبل ناروی - می‌توان گفت که دست‌کم هر دو ادعای وی صحیح هستند. وی در حقیقت فرمانده مسئول دو جنگ بزرگ و چندین نبرد کوچک‌تر است و کشورش بدون تردید نخستین قدرت نظامی جهانی است که به مدت چندین دهه، بدون محدودیت در پنج قاره از شش قاره مسکونی جهان فعالیت داشته و نیروهایش روی هر شش قاره مستقر هستند. نیروهای مسلح، پرسونل و تسلیحات آمریکا - از جمله تسلیحات هسته‌ای آن - در ۸۲۰ پایگاه در کشورهای مختلف مستقر هستند.

اخيراً آمریکا هزاران نیروی جدید را به هفت پایگاه جدید در بلغاریا و رومانیا فرستاد، برای نخستین بار در تاریخ رژیم اسرادیل نیروهای خارجی را برای نصب و فعال کردن تأسیسات رادار موشک در صحرای نقب اعزام کرد و با لهستان توافقنامه استقرار نیروها برای موشک‌های patriot (که قرار است با هواپیماهای رهگیری ۳-Aegis Standard Missile مستقر روی کشتی دنبال شود) به امضا رساند. این نیروها نخستین نیروهای خارجی خواهند بود که پس از انحلال پیمان ورشو در سال ۱۹۹۱ در این کشور مستقر خواهند شد.

بر اساس گزارش موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم در سال ۲۰۰۸، بودجه نظامی کشور آمریکا که در حال حاضر در سطح جنگ سرد - یعنی بالاترین میزان خود پس از جنگ جهانی دوم - قرار دارد، ۴۱ درصد مخارج نظامی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، یعنی ۶۰۷ میلیارد از ۱/۴۶۴ تریلیون.

این رقم شامل مخارج نظامی خارج از وزارت دفاع نمی‌شود. چندین دهه است که دولت آمریکا در زمینه واگذاری امور در هر عرصه‌ای به پیمانکارهای بخش خصوصی پیشرو بوده است و پنتاگون نیز از این رویه مستثنی نیست. بر اساس برخی تخمین‌ها مجموع بودجه بخش نظامی و بخش‌های مرتبط علاوه بر بودجه رسمی پنتاگون، سالانه بالغ بر ۱/۱۶ تریلیون دلار، یعنی تقریباً نیمی از مصارف رسمی ۱۹۲ کشور جهان - از جمله آمریکا - در سال گذشته می‌شود.

طبق برآوردهایی که ابتدای امسال انجام شد، آمریکا همچنین با بیش از یک میلیون و ۴۴۵ هزار زن و مرد در حال خدمت، پس از چین (با اردوی دو میلیون و ۲۵۵ هزار نفری) دارای دومین اردوی دائمی جهان است، اما جمعیت چین یک میلیارد و ۳۲۵ میلیون نفر، یعنی تقریباً چهار برابر آمریکا است و اردوی گسترده از پیمانکارهای خصوصی که نیروهای مسلح‌اش را تکمیل کنند، ندارد و البته برخلاف آمریکا نیرویی در خارج از کشور مستقر نکرده است.

هند با جمعیتی بالغ بر یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون نفر، اردوی دائمی و فعال‌اش (یک میلیون و ۴۱۵ هزار نفر) کوچکتر از اردوی آمریکا است. احتمالاً آمریکا و انگلستان محدود کشورهایی هستند که نیروهای ذخیره خود را به مناطق جنگی فرستاده‌اند. فبروری گذشته دریادار مایکل مولن رئیس ستاد فرماندهی مشترک آمریکا اعلام کرد از سال ۲۰۰۱ حدود ۶۰۰ هزار نفر از نیروهای ذخیره برای خدمت در ناحیه تحت نظارت فرماندهی مرکزی آمریکا - که مسئول جنگ عراق و افغانستان است - اعزام شده‌اند.

در روزهای اخیر دو آستانه بی‌سابقه زیر پا گذاشته شدند. ۱۹ دسامبر، سنای آمریکا طی جلسه‌ای کم سابقه با هشتادو هشت رأی موافق و ده رأی مخالف، بودجه نظامی ۶۳۶/۳ میلیارد دلاری را برای سال آینده تصویب کرد. چند روز پیش‌تر نیز مجلس نمایندگان با آراء ۳۹۵ موافق به ۳۴ مخالف، این

بودجه را تصویب کرده بود. در هر دو مورد آراء مخالف، نه لزوماً نشانگر مخالفت با هزینه‌های جنگ، بلکه بخشی از رویه‌های قانونگذاری پیچیده آمریکایی، یعنی تبادل، افزودن و معامله کردن بر سر دیگر مسائل غیرمرتبط است که در گویش غیررسمی به آن چانه‌زنی و نان قرض دادن هم می‌گویند. بنابراین رای مخالف در مجلس یا سنا، لزوماً به معنای نگرشی ضدجنگ یا محافظه‌کاری مالی نیست. بودجه مصوبه پنتاگون شامل ۱۰۱ میلیارد دلار دیگر برای جنگ افغانستان و عراق می‌شد (اوباما آخرین لایحه رسمی بودجه تکمیلی جنگ عراق و افغانستان را در ماه جولای امضا کرد)، به استثنای نخستین درخواست از چندین درخواست اضافی برای جنگ افغانستان که هزینه‌های ضروری نامیده شده‌اند. نخستین درخواست که انتظار می‌رود به زودی ارائه شود، شامل بیش از ۳۰ میلیارد دلار برای ۳۳ هزار نیروی اضافی است که قرار است به منطقه عملیاتی اعزام شوند. با اعزام این نیروها تعداد نیروهای آمریکایی حاضر در منطقه به بیش از صد هزار نفر خواهد رسید.

هزینه‌های جنگ عراق و افغانستان



روز رأی‌گیری سنا درباره اعزام نیروهای جدید به افغانستان و بررسی بودجه لازم برای آن، «بلومبرگ نیوز» با استناد به محاسبات سرویس تحقیقات کنگره نوشت: بودجه اختصاص یافته به دو جنگ افغانستان و عراق از يك تریلیون دلار گذشت. طبق گزارش ۲۸ سپتامبر سرویس تحقیقات، این میزان شامل ۷۴۸ میلیارد دلار هزینه‌های مرتبط به جنگ عراق و ۳۰۰ میلیارد مرتبط به جنگ افغانستان می‌شود. برنامه هزینه‌های جدید پنتاگون «شامل ۲/۵ میلیارد برای خرید ده «بوئینگ C-۱۷» می‌شود که پنتاگون درخواست نکرده بود. شرکت بوئینگ همچنین از فروش ۱۸ جنگنده «F/A-E/F Super Hornet» - یعنی نه جنگنده بیش از آنچه مدیریت درخواست کرده بود، ۱/۵ میلیارد دلار سود می‌برد.» تأمین بودجه برای هواپیماهای جنگی که توسط وزارت دفاع یا کاخ سفید درخواست نشده‌اند یا تأمین تعدادی بیش از میزان مورد نیاز، یکی دیگر از مولفه‌های عجیب نظام

کشور آمریکا است. اینکه تاجران سلاح (و نه صرفاً تجار داخلی) سفارش‌های خود را نزد به اصطلاح نمایندگان مردم آمریکا (ویلیام لین، معاون وزیر دفاع پیش از انتصاب به مقام فعلی، نایب رئیس بخش راهبردها و عملیات‌های دولتی شرکت Raytheon بود) می‌برند، در بخشی از همین گزارش مشهود است. وزیر دفاع، رابرت گیتس، روز شش اپریل توصیه کرد: هنگامی که شرکت بوئینگ تا آخر سال ۲۰۱۰ تمامی ۲۰۵ هواپیمای «C-۱۷» را تحویل داد، برنامه C-۱۷ منقضی شود.

بوئینگ که دومین پیمانکار جنگی بزرگ آمریکا است، اعلام کرده است در صورت دریافت نکردن سفارش بیشتر، کارخانه‌اش در «لانگ بیچ» کالیفرنیا در سال ۲۰۱۱ تعطیل خواهد شد. این بودجه همچنین شامل ۴۶۵ میلیون دلار برای موتور جنگنده «F-۳۵ Joint Strike» نیز می‌شود. این جنگنده توسط شرکت «فایرفیلد» Fairfield، شرکت جنرال الکتریک واقع در کانتیکات و شرکت رولز رویس، مستقر در لندن ساخته می‌شود. پیش از این دولت تهدید کرده بود اگر صورت هزینه‌های دفاع شامل بودجه بیشتری برای این موتورها باشد، تمامی بودجه آن را وتو کند. پنتاگون و گیتس، رئیس آن، ممکن است در نبرد با کنگره و حتی کاخ سفید بر سر مسائل مربوط به استفاده از نیروی نظامی در خارج از کشور پیروز شوند، اما علیه تولیدکنندگان سلاح و نمایندگانی که صنعت تسلیحات هزینه مبارزات انتخاباتی آنها را تأمین می‌کند، بازنده هستند.

علاوه بر بودجه ۲/۳ تریلیون دلاری سالانه پنتاگون برای جنگ، جنگ تریلیون دلاری در خاورمیانه، فرصت سودآوری برای سوداگران مرگ و وابسته‌های سیاسی آنها است. روز ۱۸ دسامبر ۲۰۰۹ داستانی در چندین وب سایت نیروهای مسلح آمریکا منتشر شد، مبنی بر اینکه از زمان حمله به افغانستان در اکتبر ۲۰۰۱ حدود ۳/۳ میلیون سرباز آمریکایی به عراق و افغانستان اعزام شده‌اند. در گزارش چنین تصریح شده است که «بیش از دو میلیون زن و مرد این اعزام‌ها را پذیرفته‌اند و ۷۹۳ هزار نفر بیش از یک بار اعزام شده‌اند.» طبق این گزارش، بیش از یک میلیون نفر از اردو، بیش از ۳۸۹ هزار و ۹۰۰ نفر از نیروی هوایی، بیش از ۳۶۷ هزار و ۹۰۰ نفر از نیروی دریایی و بیش از ۲۵۱ هزار و ۸۰۰ نفر از تفنگداران دریایی در این سال‌ها به عراق و افغانستان اعزام شده‌اند. فقط طی اکتبر گذشته، ۱۷۲ هزار و ۸۰۰ سرباز، ۳۱ هزار و ۵۰۰ پرسونل نیروی هوایی، ۳۰ هزار دریانورد، ۲۰ هزار و ۹۰۰ تفنگدار دریایی به دو ناحیه جنگی اعزام شدند.

ممکن است بخش اعظم نیروی جنگی جهانی دائمی آمریکا به افغانستان و عراق اعزام شده باشند، اما همچنان نیروی کافی برای راه‌اندازی و کنترل پایگاه‌های جدید در اروپای شرقی، حضور در دیگر کشورهای خاورمیانه، مستقر شدن در پایگاه هوایی «ماناس» در قرقیزستان، اعزام به هفت پایگاه نظامی جدید در کلمبیا، انجام عملیات‌های منطقه‌ای خارج از نخستین پایگاه دائمی آمریکا در آفریقا

(کمپ «لمونیر» در جیبوتی با دوهزاروچهارصد پرسونل) و شرکت در عملیات‌های ضد شورش در فیلیپین، مالی، اوگاندا، یمن و پاکستان وجود دارد. اخیراً يك روزنامه نیروهای مسلح آمریکا در مقاله‌ای گزارش داد که يك نیروی ویژه هزار نفری از تفنگداران دریایی واکنش سریع به مناطق خطرناک به زودی در اختیار فرماندهی آفریقای اردوی آمریکا قرار خواهد گرفت. همچنین واحد تفنگداران دریایی که پیش از این در اختیار «آفریکام» قرار گرفته بود، هم اکنون برای حمایت از عملیات‌های آموزشی در اوگاندا و مالی - که اردوی آنها در حال مبارزه با اردوی «مقاومت لرد» و شورشیان طوارق هستند - اعزام شده‌اند.

در یمن، منابع حوثی، نیروی هوایی آمریکا را به حمله مشترك علیه مناطق تحت کنترل خود و کشتن دست‌کم ۱۲۰ نفر طی حمله‌ای به شمال منطقه فقیر صعده متهم کردند. دفتر اطلاعاتی این نیروها اعلام کرد: «جنایت وحشیانه‌ای که نیروی هوایی آمریکا مرتکب شد، چهره واقعی این کشور را نشان می‌دهد.» طبق گزارش برنامه خبری ABC، ۱۷ دسامبر نیز اردوی آمریکا به دستور باراک اوباما و در تکمیل حملات راکتی روزافزون در پاکستان، دو راکت به سمت پایگاه احتمالاً متعلق به القاعده در یمن پرتاب کرد.

نیروهای حوثی، شیعه هستند، بنابراین استفاده از توجیه القاعده برای حمله به مناطق آنها صرفاً نوعی حيله استراتژیک است. در همان زمان جنرال «راجر بریدی» فرمانده نیروی هوایی آمریکا در اروپا و نیروی هوایی متحد ناتو که به تازگی از بازرسی جمهوری آذربایجان و گرجستان بازگشته بود، برای ملاقات با وزیران دفاع لاتویا، استونی و لیتوانی و برنامه‌ریزی برای همکاری نظامی نزدیک‌تر در بخش امنیتی بین کشورهای بالتیک و آمریکا که شامل مانورهای مشترك در منطقه بالتیک می‌شود، به پایگاه آموزشی «Adazi» واقع در لاتویا رفت. تمامی کشورهای ذکر شده (جمهوری آذربایجان، گرجستان، استونی، لیتوانی و لاتویا) با روسیه هم مرز هستند.

در همان هفته طی نشست (ALBA) در شهر هاوانا، رائل کاسترو، رئیس‌جمهوری این کشور درباره آخرین گسترش‌های پنتاگون در کلمبیا گفت که «ایجاد پایگاه‌های نظامی در منطقه، نوعی تهاجم علیه آمریکای لاتین و کارائیب است.» کمتر از يك هفته بعد، دولت کلمبیا که سومین کشور دریافت‌کننده کمک‌های نظامی آمریکا در منطقه است، اعلام کرد که پایگاه نظامی جدیدی نزدیک مرزش با ونزوئلا خواهد ساخت. «گابریل سیلوا» وزیر دفاع این کشور، روز ۱۸ دسامبر گفت که این پایگاه در شبه جزیره «گواجیرا» نزدیک شهر Nazaret ساخته شده و ۱۰۰۰ سرباز در آن مستقر خواهند شد. دو توپخانه هوایی در دیگر نواحی مرزی راه‌اندازی خواهند شد. جنرال «اسکار گونزالس» فرمانده اردوی کلمبیا، روز بعد اعلام کرد که شش توپخانه هوایی - شامل دو توپخانه در مرز مشترك با ونزوئلا - در حال راه‌اندازی هستند. پس از اختصاص بیش از يك تریلیون دالر بودجه

به جنگ‌های افغانستان و عراق، اردوی آمریکا و رئیس‌جمهوری برنده جایزه صلح آن، زمینه را برای جنگ‌های بیشتر آماده کرده‌اند. بوئینگ، ریتون (Raytheon) و جنرال الکتریک، منتظر و بیکار نخواهند ماند!

عملیات های ویژه نظامی



فرماندهی عملیات ویژه نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا (USSOCOM) مسوولیت نظارت بر کلیه عملیات ویژه نظامیان آمریکایی را اعم از نیروی دریایی، نیروی هوایی، نیروی زمینی و تفنگداران دریایی عهده‌دار است. این "رکن فرماندهی" واحدی از واحدهای وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شود. مرکز این فرماندهی در پایگاه هوایی "مکدیل" (MacDill) واقع در منطقه "تامپا" (Tampa) در ایالات "فلوریدا" قرار دارد.

ایده تاسیس این فرماندهی پس از شکست تجاوز نظامیان آمریکایی به طیبس با هدف آزادسازی گروگان‌های این کشور در ایران مطرح شد. یک گروه تحقیقاتی به رهبری "دریادار جیمز الو هالووی" (James L. Holloway) پس از واقعه طیبس، عدم وجود فرماندهی موثر و کنترل کارآمد را عامل وقوع این فاجعه در تاریخ اردوی آمریکا دانست. پس از تاسیس USSOCOM در ۱۶ اپریل ۱۹۸۷، این فرماندهی در بسیاری از عملیات از جمله حمله به پانامه و حمله به عراق نقش داشته است.

ماموریت‌های مختلفی بر عهده USSOCOM قرار گرفته است از جمله: "جنگ‌های غیرمتعارف"، "دفاع داخلی و خارجی"، "عملیات ویژه شناسایی"، "عملیات روانی"، "عملیات شهری"، "مبارزه با تروریسم" و "مبارزه با مواد مخدر." هر شاخه‌ای در USSOCOM برای خود دارای نیروهای

عملیاتی ویژه موسوم به SOC است. برای هر شاخه نیز يك فرماندهی مجزا تعریف شده است که می‌تواند راسا عملیات خویش را به پیش ببرد. اما در صورت لزوم هماهنگی و اتحاد نیروهای ویژه با یکدیگر نیز توسط USSOCOM رهبری می‌شود.

تاریخچه "فرماندهی عملیات ویژه نیروهای نظامی آمریکا" USSOCOM همانطور که پیش‌تر نیز اشاره شد، شکست تجاوز نظامیان آمریکایی به طبرس در سال ۱۹۸۰ میلادی، نیاز وزارت دفاع آمریکا را به اصلاح و سازمان‌دهی مجدد بیش از پیش روشن ساخت. فرماندهی وقت اردوی آمریکا نیز خواستار بازبینی ساختارها در نیروهای نظامی آمریکایی شد که همین بازبینی سرانجام نیروهای موسوم به "دلتا" را ایجاد کرد.

در سال ۱۹۸۳ در میان اعضای کنگره آمریکا نیز نیاز به اصلاحات نظامی حس شد. در جون سال ۱۹۸۳ میلادی کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا تحت ریاست سناتور "بری گلدواتر" (Barry Goldwater)، مطالعاتی دو ساله را در این خصوص آغاز کرد که سرانجام به تشکیل نیروهای مجزای SOF انجامید. به زودی پیشنهادهای نیز برای اصلاح ساختار همین SOF مطرح شد.

در اکتبر سال ۱۹۸۵، کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا گزارش خود را تحت عنوان "سازمان دفاعی: نیاز به تغییر" مطرح کرد. در بهار ۱۹۸۶ نیز حامیان SOF پیشنهادهای اصلاحی خود را در کنگره و سنا مطرح کردند. پس از مدت‌ها بحث و بررسی سرانجام لوایح اصلاحی SOF در کنگره و سنا به تصویب رسید.

اما کارها در این جا به پایان نرسید و با توجه به شکست‌های گذشته بحث‌ها در کنگره و سنا ادامه یافت. تا آنکه بالاخره در سال ۱۹۸۷ تشکیل USSOCOM به تصویب رسید. فرمان تشکیل USSOCOM را "رونالد ریگن" رئیس جمهور اسبق آمریکا امضا کرد. "جنرال لیندسی" (Lindsay) نیز از سوی ریگن به عنوان اولین فرمانده USSOCOM منصوب شد و سنای آمریکا نیز بی‌هیچ بحث و جدلی فرماندهی وی را پذیرفت.

اولین مأموریت تعریف شده برای فرماندهی نیروهای ویژه آمریکایی حمایت از ترانزیت امن نفت از خلیج فارس بوده و این مأموریت درست مقارن با سال‌های پایانی جنگ عراق و ایران تعریف شده بود. کویت که برخی کشتی‌های آن در پی حمایت‌های این کشور از رژیم بعث عراق هدف حملات ایرانیان قرار گرفته بود از آمریکایی‌ها تقاضای کمک کرد و به این ترتیب یازده کشتی کویتی تحت اسکورت ناوگان آمریکا قرار گرفتند.

حمایت ناوگان آمریکا از کشتی‌های کویتی منجر به آن نشد که ایرانیان از حملات خود بوسیله مین و قایق‌های تندرو علیه کشتی‌های کویتی دست بردارند و برای مقابله با این حملات بود که USSOCOM وارد اولین عملیات جدی خود شد. این سایت غربی که در نوع نگارش خود از

ادبیات ضدایرانی رسانه‌های غربی استفاده می‌کند اولین حمله نیروهای USSOCOM را حمله به کشتی "ایران ارج" یاد کرده است. آمریکایی‌ها مدعی بودند که این کشتی در حال مین‌ریزی در خلیج فارس بوده است. این حمله با تیراندازی هلیکوپترهای آمریکایی به کشتی ایران ارج انجام شد و نظامیان آمریکایی سرانجام از کشتی‌های خود وارد عرشه کشتی ایران ارج شده و مدعی شدند که نو مین و نقشه چگونگی مین‌ریزی را روی عرشه این کشتی یافته‌اند! همچنین نیروهای USSOCOM به حمله به این کشتی اکتفا نکرده و یکی از سکوهای نفتی ایران را نیز هدف حمله خود قرار دادند. پس از این حملات آمریکایی‌ها مدعی شدند که رفتار نیروهای ایرانی را کشف کرده‌اند. به ادعای نیروهای USSOCOM، ایرانی‌ها روزها در کنار سکوهای نفتی خود پنهان شده و شبانه به مین‌ریزی و حمله به کشتی‌ها مبادرت می‌ورزیدند. در همین راستا هلیکوپترهای آمریکایی با نزدیک شدن به یکی از این سکوهای نفتی سه‌قایق تندروی ایرانی را در یک درگیری غرق کردند. در میانه ماه اکتبر ۱۹۸۷، پس از اصابت یک موشک ایرانی به کشتی "سی آیسل سیتی" و مجروح شدن هجده نفر در این حمله که در نزدیکی کویت انجام شد، چهار ناوشکن آمریکایی با حمله به دو سکوی نفتی در حوزه نفتی رستم آنها را به آتش کشیدند. حملات آمریکایی‌ها بدین‌جا ختم نشد و غرق کردن ناوچه‌های جوشن و سبلان نیز به پرونده USSOCOM افزوده شد. با این حملات سرانجام از حملات ایرانیان به کشتی‌های نفتی در خلیج فارس تا حد زیادی کاسته شد و سرانجام نیز در بیست اگست ۱۹۸۸ جنگ میان ایران و عراق پایان یافت و نیروهای مربوط به USSOCOM به آمریکا بازگشتند. در این عملیات نقش نیروهای USSOCOM کاملاً مشهود و آشکار بود. از مهمترین توانایی‌های این نیروهای حرفه‌ای عملیات شبانه بود چرا که نیروهای ایرانی از تاریکی شب برای عملیات استفاده می‌کردند.



USSOCOM در سومالی به عنوان رکن فراهم آورده کمک‌های بشردوستانه خود را نشان داد. هواپیماهای "سی ۱۳۰" آمریکایی تحت فرمان این فرماندهی کمک‌های خود را به سومالی حمل

می‌کردند. این هواپیماها شامل اولین سربازان آمریکایی بودند که تحت عنوان برنامه "بازگشت امید" وارد سومالی شدند.

در دسامبر ۱۹۹۲، تجهیزات نیروهای ویژه آمریکایی که در کنیا مستقر شده بودند نیز به عملیات موسوم به بازگشت امید پیوستند. در جنوری ۲۰۰۳، نیروهای ویژه مخصوص سومالی تحت عنوان JSOFOR در موگادیشو پیاده شدند و شروع به برقراری ارتباط با رهبران قبایل بومی سومالی کردند. هدف از این ارتباطات کسب اطلاعاتی در خصوص چگونگی حفاظت از نیروها و همچنین عملیات نجات آتی بود. JSOFOR تا ماه اپریل همان سال، ۲۶۰۰۰ مایل از خاک سومالی را پشت سر گذاشت و دوصدو هفتاد و هفت قبضه سلاح را ضبط کرده و قریب به ۴۵۳۲۰ پوند مواد منفجره را از بین برد. در ماه اگست ۱۹۹۳، نیروهای فرماندهی عملیات ویژه ایالات متحده آمریکا با توجه به حملات نیروهای "محمد فرح عیدید" به نیروهای آمریکایی و نیروهای سازمان ملل با هدف دستگیری جنرال عیدید وارد عملیات نظامی در سومالی شدند. شش عملیات نیروهای JSOFOR که در واقع نیروهای ویژه USSOCOM در سومالی بودند توانست تا حدود زیادی حرکات عیدید را خنثی کند. اما در هفتمین عملیات که با هدف دستگیری دو تن از فرماندهان نزدیک به عیدید صورت گرفت این نیروها در همان مرحله اول با شکست سختی مواجه شدند. آتش سنگین نیروهای عیدید تعدادی از نیروهای آمریکایی را کشته و زخمی کرد و یک نفر نیز به اسارت نیروهای سومالیایی درآمد. این جنگ پس از جنگ ویتنام سخت‌ترین جنگ شهری برای نیروهای نظامی آمریکایی محسوب می‌شد. در این حمله هفده نیروی آمریکایی کشته و صدوشش تن از ایشان نیز مجروح شدند. سرانجام نیروهای آمریکایی در دستگیری عیدید ناکام ماندند و در مارچ ۱۹۹۴ بیشتر آنها خاک سومالی را ترک گفتند. خروج از سومالی در مارچ ۱۹۹۵ تکمیل شد. هرچند که ماموریت اصلی در سومالی ناکام ماند.

USSOCOM و جنگ عراق و افغانستان



فرماندهی عملیات ویژه آمریکا در لشکرکشی این کشور در عراق و افغانستان نیز نقش به سزایی داشته است.

در اولین گام پس از تعرض ارتش آمریکا به افغانستان، USSOCOM در همکاری با سازمان سیا تلاش کرد تا امکانات شکست طالبان را بدون استفاده از نیروهای نظامی گسترده فراهم آورد. این پایگاه اینترنتی، این اتفاق را از بزرگترین موفقیت‌های نیروهای آمریکایی در جنگ موسوم به جنگ علیه تروریسم برشمرده است.

پس از جنگ سخت موگادیشو آمریکایی‌ها در یکی از کوهستان‌های افغانستان درگیر جنگ سخت دیگری می‌شوند و البته باز هم تلفات زیادی می‌دهند. در این نبرد یک هلیکوپتر آمریکایی حامل شانزده نیروی نظامی و خدمه سرنگون می‌شود و همه سرنشینان آن کشته می‌شوند. این پایگاه اینترنتی، این نبرد را فاجعه‌آمیزترین نبرد از زمان حمله به افغانستان خوانده است. جالب این‌جا است که "مایکل مورفی" (Michael P. Murphy) از رهبران این عملیات مدال افتخار نیز دریافت کرده است.

همچنین در جنگ عراق، قطعه نمبردهم نیروهای ویژه USSOCOM اولین گروه از نظامیان آمریکایی بودند که حتی قبل از آغاز تجاوز آمریکا به عراق وارد خاک این کشور شدند. یکی از اقدامات آنها سازمان‌دهی نیروهای کرد موسوم به "پیش‌مرگ‌ها" در شمال عراق برای شکست دادن نیروهای "جنبش انصارالاسلام" پیش از آغاز حمله آمریکا به عراق بود. این اقدام از آن رو انجام شد که منطقه‌ای که به طور کامل در اختیار انصارالاسلام، یکی از متحدین القاعده بود تحت کنترل متحدین آمریکایی‌ها درآورده شود.



پس از موفقیت در نبرد با انصارالاسلام، USSOCOM این‌بار به تجهیز و سازمان‌دهی پیش‌مرگ‌ها علیه رژیم "صدام حسین" پرداخت. با این تلاش نیروهای صدام در شمال عراق زمین‌گیر شدند و نتوانستند برای مقابله با حمله انجام شده در جنوب عراق به سایر هم‌قطاران خود بپیوندند. شاید همین عملیات توانست جان هزاران نیروی غربی را حفظ کند.

در آغاز تجاوز نظامیان آمریکایی به عراق، تیم‌های دوازده نفره از نیروهای ویژه تحت فرماندهی USSOCOM با هدف یافتن سکویهای پرتاب موشک‌های اسکاد وارد مناطق جنوبی و غربی عراق

شدند. همچنین نیروهای وابسته به این فرماندهی ترمینال‌های نفتی و پمپ‌های نفت در سواحل جنوبی عراق را به کنترل خویش درآوردند. نیروی هوایی تحت فرمان USSOCOM نیز توانست نقش مهمی در انتقال نیرو و تجهیزات به اعماق خاک عراق ایفا کند.

پس از اشغال عراق نیز نیروهای USSOCOM در قتل یا دستگیری صدها شورشی مسلح عراقی نقش داشته‌اند. از دیگر نقش‌های USSOCOM، آموزش نیروهای عراقی برای به‌دست گرفتن امور بوده است.

نیروهای تحت فرمان USSOCOM

اولین نیروی تحت فرمان USSOCOM، نیروهای عملیات ویژه هوایی است. این نیرو در ماه مه سال ۱۹۹۰ در فلوریدا تاسیس شد. این نیرو که به اختصار AFSOC خوانده می‌شود در پیاده‌سازی نیرو در سراسر جهان نقش دارد. نیروهای AFSOC آموزش‌های ویژه‌ای می‌بینند و در عملیات جنگی، نفوذ در نیروهای دشمن و تغذیه و تقویت نیروهای خودی مهارت دارند.



از دیگر تخصص‌های AFSOC راه‌اندازی رادیو و تلویزیون برای عملیات روانی است. این نیروها همچنین در تامین تخصص‌های نظامی برای حفظ دولت‌های متحد آمریکا نیز نقش دارند. مأموریت‌های اصلی AFSOC عبارتند از عملیات هوایی در میدان نبرد، حمایت سریع از نیروهای خودی، عملیات اطلاعاتی، حملات هوایی فوق دقیق، عملیات روانی، نقل و انتقال هوایی، سوخت‌رسانی هوایی، شناسایی و نظارت.

دومین نیروی تحت فرمان USSOCOM جزوتامی است که مربوط به عملیات ویژه در اردوی آمریکا شده و از آن به اختصار تحت عنوان USASOC نام برده می‌شود. این نیرو از خود USSOCOM هم قدیمی‌تر است و بیش از چهل سال است که سرنیزه نیروهای آمریکایی در

جنگ‌های غیرمتعارف محسوب می‌شود. USASOC از نیروهای معروفی همچون رنجرها و همچنین نیروهای ناشناخته‌ای چون نیروهای متخصص در جنگ روانی و جنگ شهری سازمان یافته است. این نیروها در مقابله با شورش‌ها نقش به‌سزایی دارند. اهمیت USASOC زمانی روشن می‌شود که جنگ از مراحل متعارف خود عبور کرده و وارد مرحله جنگ چریکی می‌شود. از دیگر نیروهای تحت فرمان USSOCOM نیروهای ویژه توسعه در کشورهای هم پیمان در زمان صلح هستند که اکنون از مهمترین فعالیتهای آنها کار توسعه در افغانستان است. این کمک‌های توسعه‌ای از طریق ارائه آموزش به نیروهای پولیس و اردوی این کشورها انجام می‌شود. نیروهای ویژه آمریکایی به گونه‌ای آموزش داده می‌شوند که در درجه اول يك رزم‌آور و در درجه دوم يك مربی باشند چرا که باید بتوانند تیم خود و متحدین خود را آموزش دهند.

دیگر نیرویی که از آن نام برده شده است نیروی دریایی تحت فرمان USSOCOM است. این نیرو در اپریل ۱۹۸۷ در کالیفرنیا تاسیس شد. این نیرو که به اختصار NSW خوانده می‌شود وظیفه دارد تا بینش، رهبری، منابع و نظارت لازم را برای قوای بحریه آمریکایی فراهم آورد تا آمادگی لازم را برای نبردهای دریایی کسب کنند. تیم‌های عملیاتی NSW سازمان‌دهی شده و تعلیم دیده‌اند تا گستره مختلفی از عملیات را به اجرا درآورند که از جمله آنها می‌توان به عملیات غیرمتعارف، عملیات مستقیم، شناسایی ویژه، مقابله با تروریسم و حمایت از عملیات روانی و شهری را نام برد. تفنگداران دریایی دیگر واحد تحت فرماندهی USSOCOM را تشکیل می‌دهند. تشکیل این نیروها به سال ۲۰۰۵ بازمی‌گردد. در این زمان وزیر دفاع آمریکا خواستار تشکیل يك واحد عملیات ویژه از تفنگداران دریایی آمریکایی شد. این نیرو با ۲۵۰۰ عضو در فبروری ۲۰۰۶ در کارولینا آغاز به کار کرد. این نیرو که به اختصار MARSOC خوانده می‌شود ابتدا از واحدهای کوچکی تشکیل شده بود.

MARSOC به عنوان جزئی از اجزای USSOCOM برای آموزش، سازمان‌دهی و پیاده‌سازی عملیات ویژه در حمایت از سایر دستگاه‌های نظامی آمریکایی تشکیل شده است. از دیگر مسوولیت‌های این واحد نظامی اجرای عملیات شناسایی است. از دیگر وظایف این نیرو گسترش توانایی نظامی آمریکا در جنگ‌های غیرمتعارف، مقابله با تروریسم و عملیات اطلاعاتی است. این نیرو در اکتبر ۲۰۰۸ توانست به توان عملیاتی قابل قبول دست پیدا کند.

"ستاد مشترك عملیات ویژه" آخرین واحد از نیروهای USSOCOM است که در این مقاله اشاره شده است. این واحد که به اختصار JSOC خوانده می‌شود وظیفه کنترل واحدهای عملیات ویژه را بر عهده دارد. البته این واحد نمی‌تواند عملیات جاسوسی و سری را رهبری کند چرا که رهبری اینگونه عملیات تنها در حوزه مسوولیت‌های سازمان سیا است. اما به هر حال باید در نظر داشت که روابط میان USSOCOM و سازمان سیا در سطحی بسیار عالی است.

فهرست فرماندهان USSOCOM از ابتدا تاکنون

فرماندهان USSOCOM از ابتدا تاکنون عبارت بوده‌اند از: "جنرال لیندسی" از اپریل ۱۹۸۷ تا جون ۱۹۹۰، "جنرال استینر" از جون ۱۹۹۰ تا مه ۱۹۹۳، "جنرال داوینگ" از مه ۱۹۹۳ تا فیروری ۱۹۹۶، "جنرال شلتون" از فیروری ۱۹۹۶ تا سپتامبر ۱۹۹۷، "جنرال اسمیت" از سپتامبر ۱۹۹۷ تا نوامبر ۱۹۹۷، "جنرال اسچومیکر" از نوامبر ۱۹۹۷ تا اکتبر ۲۰۰۰، "جنرال هلند" از اکتبر ۲۰۰۰ تا سپتامبر ۲۰۰۳، "جنرال براون" از سپتامبر ۲۰۰۳ تا جولای ۲۰۰۷ و "جنرال اولسون" از جولای ۲۰۰۷ تاکنون.

رویکردهای این نوشته – جنگ عراق و افغانستان و نابسامانی های آمریکا – جنگ و منفعت طلبی، آسیا تایمز، تحلیل استراتژیک و فارس – تصویرها- گوگل و آرشیف شخصی.

چهارشنبه، ۲۱ جولای ۲۰۱۰

توجه!

کاپی و نقل مطالب از «اصالت» صرف با ذکر منبع و نام «اصالت» مجاز است

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «اصالت» می باشد

Copyright©Esalat

www.esalat.org